

بسم الله الرحمن الرحيم

## تصاویر انتزاعی و دو بُعدی در شعر شعرای سبک آذربایجانی

دکتر بهروز بامدادی

استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی مرند

bb19627@gmail.com

چکیده :

هدف غایی شعر، به قول حاج ملا هادی، ترهیب و تعجیب و تشویق است. برای برانگیختن چنین حالات نفسانی باید هنر شعری شاعر و پیغام وی به قدری قوی باشد که بتواند نفوس خوانندگان را تسخیر کند شاعر باید علاوه بر دقت در گزیدن واژگان شعرش، این هنر را داشته باشد که شعر خود را با موسیقی شعرش بنوازد؛ موضوع مورد نظرش را با تصویر شعرش ترسیم کند. با قلم موی خیالش آن رنگ آمیزی کند و فضای هنرمندانه ای بر آن بیفزاید. شاعر می کوشد با تصویر شعرش، موضوع را برای خواننده ملموس تر کند. بعضی از شعرا علاوه بر موضوعات بالا، با تصاویر انتزاعی، به خواننده ی شعر قدرت تخیل و تحلیلی می دهند که بتواند علاوه بر ظاهر تصاویر، زوایای پنهان تصاویر را دریابد. در نتیجه، التذاذ ادبی آنان از خواندن شعر بیشتر شود. حتی برخی از شعرا در این کار عمد داشته اند. شعرای سبک آذربایجانی از آن جمله اند. گاهی در شعر شعرای این سبک تصاویر هنرمندانه ای دیده می شود که دو بعد دارد یعنی هم تصویری که الآن دیده می شود وهم شکلی از آن تصویر که قبلا بوده ولی اکنون آن صورت نهان است. در این مقاله، نگارنده علاوه بر معرفی چگونگی تصاویر انتزاعی زیبا در شعر این شعرا، قصد دارد مواردی را ذکر کند که ثابت می کند شعرای سبک آذربایجانی مثل: نظامی، خاقانی، مجیر، فلکی و دیگران در تصویر سازی انتزاعی، مورد اقتفای شعرای سبک هندی بوده اند.

کلید واژه ها : تصویر شعری - تصویرهای انتزاعی - تصاویر دوبعدی - شعرای سبک آذربایجانی

شعراى آذربايجان ، علاقه اى خاص به تصويرهاى انتزاعى وچند بعدى داشته اند و اگر در هنر شعر آنان دقيق شويم ؛ خواهيم ديد كه تصوير هاى ذهنى آنان با رقت اندیشه و قوت تخيل خاص سرمشقى براى تصويرهاى تخيلى شعراى ادوار بعدى شعر خصوصاً شعراى سبك هندی شده است كه شعرشان كاملاً انتزاعى بوده است و پيچيده گويى و باريك انديشى و گاهى تصويرهاى خيالى تودرتو ويزگى سبكى آن هاست. و اگر دشتى در كتاب خویش با نام شاعرى دير آشنا ،خاقانى را پيشرو شعراى سبك هندی بر مى شمرد ؛ حَقّاً كه نظامى نيز در اين نوع تصوير سازى شعبده اى برانگيخته است و ديگر شاعران اين سبك نيز از اين فن بهره ها داشته اند و ترزبانى ها نموده اند .وبه جرأت مى توان گفت كه اين ويژگى به عنوان شاخصه ي سبكى اين شاعران به شمار مى رود و مى توان ادعا كرد كه بسيارى از تصاوير خيال پرورانه ي اين شاعران ، منبع الهام شعراى هندی گوى شده است.حتى در بسيارى از تصوير سازى هاى شاعران امروز نيز به آن تصاوير شباهت شگفت انگيزى دارد و كدورت غبار گذر زمان بر آن ها ننشسته است .

يكى از راه هاى آفريدن تصاوير دو بعدى "انتزاعى" ، استفاده از مفاهيم پارادوكسى است .مثلاً شاعر تصويرى خلق مى كند كه ماده ي اصلى آن تصوير آب-مايع - است .اما ناگهان با آوردن صفت "خشك" كه صفتى شايسته و مناسب اسمى جامد است و هيچ تناسبى با آب ندارد ؛ ذهن شنونده را چند لحظه روى تصوير شعر متوقف مى كند زيرا تصويرى آفريده شده كه از يك سو مايع است و از زاويه اى ديگر خشك است مگر ممكن است آب خشك وجود داشته باشد ؟ بعد از اندكى كشاكش ذهنى بالاخره ذهن خواننده متوجه "شيشه" بشود كه از جهت صفا و درخشندگى به آب مى ماند و از جهت سختى و جماد بودن خشك است چنين تصويرى تصويرانتزاعى و دوبعدى است . شاعر از آتش تر صحبت مى كند يعنى تصويرى آفريده كه ماده ي اوليه ي آن آتش است . آتش وجودى است با مختصات آشنا كه پيش شنونده و خواننده ي شعر معلوم و معروف است اما آوردن صفت " تر " كه صفت متباين آتش است ؛ ذهن خواننده ي شعر را لحظاتى متوقف مى كند و با خود مى انديشد : اين چه تصويرى است ؟ يعنى مى توان آتشى يافت كه "تر" باشد ؟ آتش كه با ترى خاموش مى شود چگونه مى تواند خودش تر هم باشد ؟ بعد از توجه كافى متوجه شراب مى شود كه از جهت رنگ و سوزندگى مثل آتش است اما ماهيتى " تر " دارد و مايع است . پس تصوير ادبى ما مى شود : آتش تر عجب تركيب ادبى زيبايى ! آتشى كه تر است يا تریى كه آتش است عجب زيبايى سر مست كننده اى ! حتى اين تصوير بعد سومى هم دارد و مى توان در باره ي ان هم بحث كرد : آتش تر را در ميان آب خشك ريخته اند . اين بعد سوم خود شگفت انگيز تر است . يعنى صورتى تركيبى است از آن دو تصوير انتزاعى عجب كه قبل بحث شد . بعد از توقف روى تصوير خواننده متوجه مى شود كه شراب را در جام شيشه اى ريخته اند پس در حقيقت آتش تر را در آب خشك قرار داده اند . بعد سوم بر غناى ادبى تصوير شعر افزوده است .

اكنون اين تصوير را در شعر شعراى ديگر نيز مى بينيم :

در افکن بدان آب خشک آتشِ تر      چو باد است گیتی مکن خاکساری  
نوبر چرخ کهن چیست ؟ به جز جام می      حامله ای ز آب خشک آتشِ تر در شکم

مجیرالدین بیلقانی ۱۹۴ / ۲

باده در جام آبگینه گهر      راست چون آب خشک و آتشِ تر

نظامی هفت پیکر ۱۴۰ / ۱

ساغر و باده ی ما هم به صفت هم به صفا      آب خشک ای عجب و آتشِ تر خواهد بود

مجیرالدین بیلقانی 268/2

در صبحش که خون رز ریزد      ز آب یخ بسته آتشِ تر انگیزد

نظامی هفت پیکر 24/1

در تصویری شگفت ، شاعر علاوه بر نشان دادن تصویر آشکار شعرش ، یک تصویر پنهان نیز از شعر ارائه می دهد در واقع قصدش این است که به خواننده القا کند : آنچه در تصویر می بینی این است ولی باید بدانی که این تصویر چه وضعی داشته است که اکنون بدین شکل درآمده است خواننده ی شعر باید یک بُعد تصویر را ببیند و بُعد دیگر را حدس بزند حتی گاهی بُعد سوم نیز وجود دارد که دراین بحث گنجانده نشده است . پس متمم تلاش ما در این مقاله نشان دادن این نکته است که شعرای سبک آذربایجانی در ایجاد تصاویر دو بُعدی در شعرشان کوششی بلیغ داشته اند. با دقت در دو بیت زیر ، ابعاد این کوشش ادبی و جلوه های زیبا و شگفت انگیز این نوع تصویر آفرینی معلوم می شود:

\* دربزم تو گل با می سوری در ساخت      با باده و گل نرد طرب باید باخت

می بود گل از آه حسود تو فسرد      گل بود می از آتش تیغ تو گداخت

مجیرالدین بیلقانی ۳۸۶/۲

الف: آنچه در تصویر می بینیم یک گل است . گل جامد است اما شاعر می گوید حقیقتاً گل ، قبلاً به شکل مایع بوده است یعنی اصلاً گل همان می است ولی آه حسود تو آن را منجمد کرده است و به شکل گل در آورده است. پس یک تصویر دو رویه آفریده که یک طرف آن گل و طرف دیگر آن می است و این القای یکسانی به قدری قوی است که خواننده باور می کند که گل قبلاً می بوده است و در اثر انجماد به شکل گل در آمده است.

ب: آنچه در تصویر می بینیم یک جام می است . می مایع است اما شاعر می گوید حقیقتا می ، قبلا به شکل جامد بوده است یعنی اصلا می همان گل است ولی آتش تیغ تو آن را گداخته و ذوب کرده است و به شکل می در آورده است. پس یک تصویر دو رویه آفریده که یک طرف آن می و طرف دیگر آن گل است و این القای یکسانی به قدری قوی است که خواننده باور می کند که می قبلا گل بوده است و در اثر گدازش به شکل می در آمده است .

می آفتاب زر فشان ، جام بلورش آسمان      مشرق کف ساقیش دان مغرب لب یار آمده

. در ساغر آن صهبا نگر در کشتی آن دریا نگر      بر خشک تر صحرا نگر کشتی به رفتار آمده

خاقانی ۳۸۹ / ۱۰

در این بیت نیز تصویری دوسویه و جالب آفریده شده است که ذهن خواننده را به پویه وامی دارد . این تصویر شعری را به صورت زیر می توان تفسیر کرد :

الف : آنچه در این تصویر می بینیم یک ساغر است . ساغر مثل کشتی است . کشتی باید بر روی دریا روان باشد . اما حادثه ای عجیب اتفاق افتاده است و ما در اینجا کشتی می بینیم که دریایی در داخل آن جای گرفته است و این بر خلاف آن تصویری است که همگان در ذهن دارند یعنی به جای این که کشتی بر دریا روان باشد ؛ دریا بر کشتی روان است.

ب: تصویر زیبایی در شعر دیده می شود همگان می دانند که کشتی باید در دریا باشد اما کشتی در تصویر وجود دارد که بر صحرایی حرکت می کند که در عین صحرا بودن "تر" است تری نیز به معنی زیبا بودن است . پس این چه کشتی است که بر خشک می رود .

\*کشتی زرین در او دریای لعل      از حبابش بادبان آخر کجاست؟

خاقانی ۴۹۲ / ۱۲

همگان چنین تصویری در ذهن دارند که کشتی باید در دریا حرکت کند اما در این بیت از کشتی صحبت شده است که دریا در داخل آن جریان دارد و این تصویر بسیار شگفت انگیز است . آری این کشتی جام شرابی است که دریای لعل در آن جاری است و بادبانی از حباب بر روی آن وجود دارد. این معنی در دو بیت زیر نیز با هنرمندی به کار رفته است که زیبایی آن بعد از تأمل بسیار در تصویر شعر ، معلوم می شود .

\* چو گفت این سخن دیده چون رود کرد      کسی را که بگذاشت بدرود کرد

در افکند کشتی به دریای چین      که دیده است دریای کشتی نشین ؟

نظامی ، اقبال نامه ۲۰۶/۱۱

\* مجلس همه دریا و قدح ها همه ماهی است      دریا کش از آن ماهی اگر مرد صفایی

خاقانی ۴۲۴/۱۵

تصویری هنری و بسیار جالب در بیت دیده می شود آنچه دیده می شود ؛ دریایی است که از ماهی کشیده می شود در حالی که همگان ماهی را از دریا می کشند پس این چگونه ماهی است که دریا از آن کشیده می شود؟ شاعر با بهره بردن از از تصویری که معهود ذهن شنوندگان شعر است خواسته تصویر هنری بیافریند و خیلی خوب از عهده برآمده است . ضمناً با بهره بردن از زیبایی همنشینی کلمات تصویر شعر خود را رنگ آمیزی کرده است بدین ترتیب که کشیدن با ماهی معنی صید کردن می دهد درحالی که با جام که به شکل ماهی ساخته شده است ؛ معنی نوشیدن می دهد پس این بهره مندی بر زیبایی تصویر افزوده است.

\* چون بگیری پیاله گوید بزم      آب بین که آتش روان برداشت

مجیر الدین بیلقانی ۴۷ / ۱۶

در این تصویر شاعر از آبی صحبت می کند که آتش سوزانی را برداشته است . این چگونه ممکن است که آبی بتواند آتشی را بردارد؟ ظاهراً آب ، آتش را خاموش می کند ولی در این تصویر شگفت آب ، آتش را بر می دارد . در واقع شراب داخل جام شیشه ریخته شده است . حتی بُعد سومی هم وجود دارد آیا این نکته به ذهن برخی از شنوندگان نمی آید که آن آب ممکن است دست سپید ساقی باشد و آتش ، شراب سرخ داخل ساغر شیشه ای باشد ؟

\* خیل دی ماهی نهان کرد آفتاب      چشمه بر ماهی روان کرد آفتاب

خاقانی ۴۹۳/۷

در این بیت تصویری دیده می شود که ظاهرش خلاف آگاهی های همگان است . بدین ترتیب که همه می دانند که ماهی بر آب روان می شود . اما ناگهان بامصرعی روبه رو می شوند که در آن چشمه بر ماهی روان می شود. این ظاهر تصویر است اما حقیقت

این است که شاعر در باره ی زمانی از سال صحبت می کند که خورشید وارد برج حوت (ماهی) می شود . پس معنی روان شدن چشمه بر ماهی اینجا آشکار می شود .

\* به بر بط چون سر زخمه در آورد      ز رود خشک بانگ تر بر آورد

نظامی ، خسرو و شیرین ۱۹۱/۲

ساز رود ، خشک است اما رود خانه ی خشک را هم به ذهن متبادر می کند . نوازنده از همان رود خشک صدایی تر برمی آورد. خود این تصویر برای ذهن خواننده تصویری غیر قابل پذیرش است. چگونه می توان از رود خشک بانگی تر بر آورد؟ در حالی که در این بیت کلمه ی تر که در مقابل خشک قرار می گیرد ؛ اصلا به معنی تر نیست بلکه به معنی با طراوت است . پس معنی بانگ تر از رود خشک بر آوردن با تأمل بسیار معلوم می شود.

### نتیجه گیری:

از بر رسی ابیات بالا وباریک بینی در تصاویر شعری آن ها می توان در یافت که شعرای سبک آذربایجانی که یکی از ویژگی های سبکی آنان ، آفریدن تصویر های تخیلی در شعرشان است ؛ به یاری ذهن باریک شان به آفریدن تصاویر دو بُعدی و انتزاعی علاقه ای خاص نشان داده اند و آن قدر در ظرافت های این نوع تصویر آفرینی کوشیده اند که شنونده و خواننده ی شعرشان بعد از توقف و تدقیق در آن تصاویر و بر رسی های مکرر قصد شاعران را درمی یابند. پس می توان چنین استدلال کرد که شاعران این سبک الگو و راهنمای شعرای سبک هندی در ساختن تصاویر پیچیده و تودر تو بوده اند .

## منابع و مأخذ

- ۱- بیلقانی، مجیرالدین، به تصحیح محمد آبادی، انتشارات دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۸
- ۲- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل، دیوان به تصحیح سید ضیاء الدین سجادی، چاپ پنجم، انتشارات زوار، ۱۳۷۴
- ۳- دشتی، علی، شاعری دیر آشنا، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۰
- ۴- نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، سبعة به تصحیح حسن وحید دستگردی، چاپ دوم، انتشارات علمی، ۱۳۶۳